بسمه تعالی

موضوع: اختصاص خطابات قرآن به مشافهین / عام و خاص

فهرست مطالب:

[شمول خطابات شفاهیه نسبت به معدومین و غایبین 1](#_Toc121257799)

[کلام محقق خویی رحمه الله 1](#_Toc121257800)

[بررسی کلام محقق خویی رحمه الله 2](#_Toc121257801)

[مختار استاد حفظه الله در تبیین تخاطب حقیقی 2](#_Toc121257802)

[کلام شهید صدر رحمه الله 3](#_Toc121257803)

[بررسی کلام شهید صدر رحمه الله 4](#_Toc121257804)

[کلام امام رحمه الله 5](#_Toc121257805)

[بررسی کلام مرحوم امام رحمه الله 5](#_Toc121257806)

# شمول خطابات شفاهیه نسبت به معدومین و غایبین

## کلام محقق خویی رحمه الله

محقق خویی رحمه الله فرمودند: نزاع در مقام در موضوع له ادات خطاب است که اگر خطاب حقیقی باشد شامل غایبین و معدومین نمی شود، چون خطاب حقیقی به معنای تخاطب با کسی به قصد تفهیم او است و در این صورت اراده ی اعم از حاضرین از آن مستلزم مجاز است. و اگر خطاب انشایی باشد یعنی خطاب در کلام استعمال شود و لو به غرض تفهیم نباشد، شامل معدومین و غایبین نیز می شود. و ظاهر عرفی نیز همین دومی است و لذا در مواردی که نویسنده ای ادات خطاب را در کتابش استعمال می کند می نویسد: «ای خواننده عزیز» با این که در هنگام استعمال واقع تخاطب محقق نشده است، احساس مجاز نمی شود.

علاوه بر این که لازمه ی اختصاص آیات قرآن مصدَّر به ادات خطاب، به حاضرین، اختصاص آن ها به حاضرین در مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هنگام قرائت آیات است و این مقطوع البطلان است. و بر فرض موضوع له آن ها خطاب حقیقی باشد ولی قرینه وجود دارد بر این که در قرآن استعمال در اعم شده است، یعنی قرینه بر مجاز وجود دارد، و لا اقل شامل غایبین در آن مجلس می شد و وقتی استعمال مجازی است یعنی استعمال در خطاب انشایی شده است که شامل معدومین نیز می شود[[1]](#footnote-1).

## بررسی کلام محقق خویی رحمه الله

این کلام منافات با مبنای ایشان دارد که معتقد است انشاء ابراز امر نفسانی است، «یازید» ابراز قصد نداء است، «یا ایها الذین آمنوا» ابراز قصد تخاطب است، در حالی که کسی به زمین می خورد و می گوید: «یا اماه»، به داعی ابراز خوف[[2]](#footnote-2) استعمال کرد نه به داعی ابراز قصد تخاطب یعنی به غرض تفهیم غیر، و لذا بنابر این مبنا استعمالش حقیقی نیست.

ولی اصل ادعای ایشان صحیح است و انصافا موضوع له ادات خطاب ایجاد تخاطب بالفعل به قصد تفهیم غیر نیست و از تخاطب با شخص غایب و شب و روز و و موجود غیر ذی شعور مثل: «یَا دُنْيَا غُرِّي‏ غَيْرِي‏»[[3]](#footnote-3) احساس تجوز نمی شود، با این که در این کلام، دنیا موجود ذی شعور نیست تا امیرالمومنین علیه السلام قصد تخاطب به غرض تفهیم او را داشته باشد.

## مختار استاد حفظه الله در تبیین تخاطب حقیقی

اگر مراد از تخاطب حقیقی تخاطب با غیر به قصد تفهیم او باشد، قطعا ادات خطاب برای آن وضع نشده اند.

و اگر مراد از تخاطب حقیقی، توجیه خطاب به شخصی به قصد تفهیم او نباشد بلکه مجرد توجیه خطاب به شخصی یا شیئی باشد ولو قصد تفهیم او نداشته نباشد، می توان گفت ادات خطاب برای خطاب حقیقی به این معنا (اعم از این که غرض تفهیم مخاطب باشد و یا نباشد و یا تفهیم بالفعل باشد یا در آینده) وضع شدند. ولی مقصود علماء از خطاب حقیقی این معنا نیست و ما نیز مناقشه در اصطلاح نمی کنیم.

البته این خطاب «یا دنیا غری غیری» اگر از موج هوا صادر شود ایجاد تخاطب نشده است ولی این کلام متضمن تخاطب انشایی و نسبت تخاطبیه است. اما اگر از شخص ملتفت صادر شود، او ایجاد تخاطب می کند ولی مخاطب او شخص ذی شعور نیست و غرض تفهیم او نیست.

## کلام شهید صدر رحمه الله

شهید صدر رحمه الله فرمودند: علقه ی وضعیه ادات خطاب با معنا مثل سایر الفاظ علقه ی تصوریه است، لذا اگر از موج هوا نیز خطاب شنیده شود معنایی به ذهن می آید، و آن معنا نسبت تصوریه بین مخاطِب و مخاطَب است، که می توان ا زآن معنای اسمی تخاطب و النسبة التخاطبیه را انتزاع کرد. بنابراین موضوع له ادات خطاب نمی تواند قصد تخاطب و ابراز قصد تخاطب باشد، چون در این صورت مستلزم این است که علقه ی وضعیه تصدیقیه باشد در حالی که موج هوا قصد تخاطب ندارد. لکن این به لحاظ مدلول تصوری ادات خطاب است اما ظاهر حال متکلم این است که مدلول تصدیقی او همان مدلول تصوری کلامش است، موضوع له جمله ی استفهام «هل زید قائم» نسبت استفهامیه است، معنای آن ابراز قصد استفهام نیست و الا موج هوا که قصد استفهام ندارد تا آن را ابراز کند، اما ظاهر حال متکلم ملتفت وقتی می گوید: «هل زید قائم» این است که استعمالش به داعی استفهام حقیقی است، و این ظهور حال متکلم ملتفت است،.

و در ادات خطاب و نداء مثل «یا اماه» نیز موضوع له ابراز قصد نداء حقیقی نیست چون این علقه را به علقیه ی تصدیقیه تبدیل می کند، ولی ظاهر حال متکلم ملتفت این است که مراد و مدلول تصدیقی او همان مدلول تصوری کلامش است. بنابراین ظاهر خطاب «یا ایها الذین آمنوا» در صورتی که از متکلم ملتفت صادر شود این است که به داعی خطاب حقیقی است و لذا «الا یا ایها اللیل طویل ألا انجلی» استعمال مجازی نیست بلکه استعمال خلاف ظاهر است چون ظاهر آن این است که جمله به داعی خطاب حقیقی استعمال شود. و لذا ظاهر خطابات قرآن اختصاص به حاضرین دارد با این که اگر مراد اعم از حاضرین باشد مجاز لازم نمی آید بلکه فقط خلاف ظاهر است چون ظهور حال متکلم این است که خطاب انشایی را به داعی ایجاد خطاب حقیقی استعال می کند، و برای توسعه مراد متکلم به غیر حاضرین در مجلس تخاطب، نیاز به قرینه است[[4]](#footnote-4).(که قطعا نظر ایشان وجود قرینه عامه در خطابات قرآن است.)

## بررسی کلام شهید صدر رحمه الله

همانطور که گفته شد ما معتقدیم که موضوع له ادات خطاب، خطاب حقیقی به معنایی که کردیم می باشد، یعنی موضوع له ایجاد خطاب و توجیه خطاب به غیر؛ اعم از غیر ذی شعور و شخص ذی شعور می باشد.

با توجه به معنایی که برای تخاطب حقیقی بیان کردیم معلوم می شود که بر فرض ظاهر متکلم این باشد که داعی او ایجاد خطاب حقیقی است -بلکه به نظر ما موضوع له نیز می تواند صورت ایجاد خطاب حقیقی باشد کما این که موضوع له «یا زید» می تواند صورت ایجاد نداء باشد و لذا اگر طوطی نیز بگوید: «ای مردم» ما به ذهنمان ایجاد واقع تخاطب می آید منتهی صورت آن به ذهن می آید نه این که تصدیق به واقع تخاطب شود- ولی کلام این است که برای این که استعمال صورت واقع التخاطب، حقیقی باشد باید ایجاد تخاطب باشد و الا اگر ایجاد تخاطب نباشد دیگر صورت ایجاد تخاطب نخواهد بود و استعمال مجازی می شود. اما تخاطب به معنای «الخطاب مع شخص بقصد تفهیمه» نیست بلکه به معنای «نسبت خطابیه» یا طبق بیان ما «صورت ایجاد خطاب» است و ظاهر حال متکلم این است که به داعی ایجاد خطاب حقیقی استعمال می کند ولی این که ایجاد خطاب حقیقی به غرض تفهیم مخاطب باشد اول الکلام است، و به نظر ما خطاب حقیقی این نیست که به داعی تفهیم غیر باشد و لذا خطاب به غرضی غیر از تفهیم مخاطب خلاف ظاهر نیست.

بنابراین موضوع له ادات خطاب، خطاب حقیقی است اما ایجاد خطاب حقیقی به معنای توجیه خطاب به غیر است و لزومی ندارد به قصد تفهیم بالفعل او باشد، و این مثل اسامی مشترک بین اسم استان و اسم شهر است مانند کرمان، که می توان از آن هم اراده­ی شهر کرمان کرد و هم اراده­ی استان کرمان و در مقام نیز چنین است و لکن چون در هر دو استعمال می شود تعین در اعم ندارد نه این که ظهور در معنای اخص داشته باشد و استعمال آن در اعم، خلاف ظاهر باشد.

بنابراین اشکال از این جهت نیست بلکه اشکال در اثبات ظهور خطابات قرآن در اعم است که این باید اثبات شود.

## کلام امام رحمه الله

مرحوم امام رحمه الله فرمودند: مخاطب حقیقی خداوند در قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است ولو خطاب انشایی او به مردم باشد و حتی در مواردی که می گوید: «يا نِساءَ النَّبِي‏»[[5]](#footnote-5) که خطاب انشایی به نساء النبی است، ولی طرف خطاب حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و بعد کتّاب وحی این آیات را می نویسند و به همه ی مردم می رسد، این مشکلی ندارد و وجهی ندارد که گفته شود مخاطب قرآن حاضرین در مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند، و وقتی عنوان عام است مثل «یا ایها الذین آمنوا» و یا کاتب در کتاب خود می نویسد «اعلموا یا اخوانی» وجهی برای اختصاص آن به گروه خاص وجود ندارد[[6]](#footnote-6).

## بررسی کلام مرحوم امام رحمه الله

این کلام نیاز به توضیح دارد:

گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از شنیدن وحی به کاتب می گفتند آن را بنویسید، در این صورت مردم طرف خطاب حقیقی نبودند. ولی در این صورت نیز آن بیان می آید که طرف خطاب انشایی یا خطاب حقیقی به معنای مختار ما، حاضرین در آن زمان بودند و یا معدومین نیز طرف خطاب بودند؟ و این نیاز به بحث دارد.

و اما در مواردی که خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آیه را برای مردم می خواند، ایشان می شود زبان خداوند و خداوند از زبان ایشان به مردم می گوید: «یا ایها الذین آمنوا»، و درواقع ایشان به عنوان مبین کلام خداوند با مردم تخاطب می کند که در این صورت خطاب حقیقی است منتهی خطاب حقیقی توسط کسی که لسان خداوند است، مثل ابن عباس که از طرف امیر المومنین علیه السلام نماینده شد که به زبیر بگوید: «یقُولُ لَكَ ابْنُ خَالِكَ عَرَفْتَنِي بِالْحِجَازِ وَ أَنْكَرْتَنِي بِالْعِرَاقِ فَمَا عَدَا مِمَّا بَدَا»[[7]](#footnote-7) که این تخاطب حقیقی بین ابن عباس و زبیر است منتهی نه بما هو ابن عباس بلکه بما هو لسان امیر المومنین علیه السلام.

بنابراین توجیه خطاب به معدومین مستلزم مجاز نیست و این بحث را باید کنار گذاشت و جای این شبهه نیست. بحث فقط در این است که اگر مراد از «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُم‏»[[8]](#footnote-8) خصوص مومنین زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند خلاف ظاهر است یا خلاف ظاهر نیست؟ از روایاتی استفاده می شود اختصاص خطاب به حاضرین در زمان پیامبر ص خلاف ظاهر است.

1. محاضرات فی اصول الفقه(طبع موسسة احیاء آثار السید الخویی)، خویی، ابوالقاسم، ج4، ص433. [↑](#footnote-ref-1)
2. مقرر: ظاهرا به داعی ابراز وجع چنین می گوید. [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج15، ص109، ح6. [↑](#footnote-ref-3)
4. بحوث فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج3، ص 367-368. [↑](#footnote-ref-4)
5. الاحزاب:32. [↑](#footnote-ref-5)
6. مناهج الوصول الی علم الاصول، امام خمینی، روح الله، ج2، ص288-289. [↑](#footnote-ref-6)
7. نهج البلاغة: ص74. [↑](#footnote-ref-7)
8. النساء:71. [↑](#footnote-ref-8)